



# مطالعات اجتماعی آموزش در دیگر کشورها

حسن ملکی

ارزشها مفاهیم و مهارتهای اجتماعی با همه اهمیتی که دارد می تواند بدون در نظر گرفتن معیارها و ضوابطی که در سنین مختلف متضمن برنامه مناسب با علائق و توانائیهای ذهنی فراگیران باشد، تهیه و تدوین و اجرا گردد؟ ضروری است در تهیه برنامه های آموزشی از معیارهای سازماندهی تجربیات یادگیری که یکی از مباحث مهم برنامه ریزی درسی است پیروی شود تا سه عنصر اساسی فوق در سطوح مختلف آموزشی برای یادگیرندگان معنی دار باشد

«در تعیین اصول مهم تنظیم توجه به این نکته حائز کمال اهمیت است که معیارهای مداومت، فرایندگی و وحدت ناظر به تجارب شخصی یادگیرنده است نه به ترتیبی که مطالب آموختنی، به نظر فرد متخصص می رسد. از این قرار مداومت مشتمل است بر تأکید مکرر عناصر اصلی در تجارب دانش آموز. فرایندگی دلالت بر گسترش و عمق پیشرفتهای دانش آموز و بالاخره وحدت مربوط است به تألیف و هماهنگی فراینده در رفتار یادگیرنده در مورد عناصر اصلی مورد نظر. به عبارت

تربیت اجتماعی و آماده کردن انسان برای زندگی سالم و پویا هدف اساسی مطالعات اجتماعی است. دستیابی به این هدف از طریق یادگیری ارزشها و الگوهای رفتاری عملی می شود. در هر جامعه بتدریج ارزشها و هنجارها که امور مطلوب و دستورالعملهای رفتار اجتماعی مقبول محسوب می گردند، شکل گرفته و حاکمیت پیدا می کنند. هر فردی از افراد جامعه برای سازگاری اجتماعی و ایفای نقش در ارتباط با دیگران و تأثیر در پویایی و تحولات اجتماعی، باید ماهیت ارزشها و هنجارها را بشناسد و نسبت به آنها موضع مناسب اتخاذ نماید.

کودک، ارزشها و رفتارهای اجتماعی را بطور غیررسمی از طریق، خانواده، گروه همسالان و فرهنگ جامعه می آموزد. ولی تعلیم و تربیت رسمی موظف است تحت یک برنامه منظم در جامعه پذیری شناخت مسائل اجتماعی و کسب قدرت تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی به افراد کمک کند و درک جهان پیرامون خود و رابطه با آنرا برای یادگیرندگان تسهیل نماید. هنگامی که محیط اطراف کودک برای او معنی و مفهوم پیدا کنند، بتدریج به دانشها و مهارتهائی دست می یابد که برای زندگی عادی و نیز به عنوان پیش نیازی برای آموزشهای آینده اش سودمند به شمار می آیند. نکته قابل ذکر اینجاست که آیا آموزش

تقدیر، دوتائی را که ما انتخاب کردیم در برگیرنده آنهاست و راهگشایی بیشتری دارد در فهم نظریات و بینش های بشمار در فلسفه های اجتماعی و اندیشه های جامعه شناختی.

زیرنویسها:

- 1 - Society an integratea unity vs society as a collection of differentiatea parts
- 2 - Aristotle, politics, 1253 a.
- 3 - See Thomas Gilby, The political Thought of Thomas Aqvinas, 1958.
- 4 - CF. W. Wtark, **The Fundamental Forms of social Thought**, P. 249.
- 5 - This point has encouraged some superficial sociologists to identify weber as a sociological nominalist. Neither this nor the assignment of individualism to weber is true, as we will see in, our later discussions.
- 6 - Maurice Blondel, **Letre et les êtres**, cited in H. Speier, The social determination of ideas", in J. curtis & J. Petras, The sociology of knowledge, New York, 1970, P. 271.
- 7 - Pareto, **The Mind and Society**, New York, 1935, & 2080.
- 8 - ibid, 20. weshould also mention that me chanistic approach in the social sciences is only one form of the differentiated..."
- 9 - **Economic and Philosophical Manuscripts**, MEGA I / 3, PP. 116 - 7, quoted in Tom Bottomore, Karl Marx on sociology and social philosophy, 1961, P. 333 & 92.
- 10 - Tonnies, **community and society**, TR. C. Loomis, New York, 1963.  
For Tonnies society is additive and based on organizational and contractual bonds, while, community is organic and based on communal and in tegral bonds; see for example P. 35.  
According to the account of stark, fouilce also in his book **La science Sociale contemporaine (1880)**, had differentiated between social organization and social contract, and had conceived that society was becoming more and more contractual. See stark's **The Fur damental Forms of social Thought**, PP. 205 - 9.

دیگر می‌خواهیم بگوئیم که اصول تنظیم را باید از نظر اهمیت روانی آنها در نزد دانش‌آموزان مورد توجه قرار دارد»

کشورهای مختلف در رعایت معیارهای فوق (مداومت، فرایندگی و وحدت) در برنامه‌های آموزشی در ارای تجاری هستند و به پیشرفت‌هایی نائل شده‌اند. استفاده از یافته‌های علمی و تجارب آموزشی آنها برای بهبود برنامه‌های آموزشی کشور اسلامی خودمان، یک ضرورت اساسی است. علوم مختلف مربوط به تهیه و تدوین برنامه‌های مناسب از قبیل برنامه‌ریزی درسی، آموزشی، روانشناسی تربیتی و غیره در انتخاب و سازماندهی محتوای برنامه، راهگشا هستند، لیکن پیاده کردن تئوریا و نظریات علمی در کتب درسی، ظرافت و هنرمندی خاصی را می‌طلبد که هر کدام از کشورها در این خصوص گامهایی برداشته‌اند. البته از این نکته نباید غافل بود که هر کشوری برنامه‌های خود را با توجه اهداف آرمانی و فلسفه تربیتی خودشان تهیه می‌کند و با هدف آرمانی ما (تربیت عبد صالح) تفاوت اساسی دارد ولی این تفاوت مانع بهره‌گیری از تجربیات برنامه‌ریزی درسی و نحوه آموزش مسائل اجتماعی آنها نیست. با توجه به این ضرورت در نخستین گام، با اصول و اهداف برنامه مطالعات اجتماعی مقطع ابتدائی و مسئولیت‌های معلم در یادگیری یکی از ایالت‌های استرالیا خواهیم پرداخت.\*

آموزش مطالعات اجتماعی در این کشور تکمیل کننده دیگر برنامه‌های آموزشی در ارتباط با آنهاست. هر مدرسه و معلم مسئولیت دارد، رؤس تعیین شده برای این برنامه را بپذیرد و نسبت به اجرای آن اقدام کند. برای اجرای موفقیت‌آمیز این برنامه رعایت موارد زیر الزامی است:

الف - شناخت اهداف مربوط به تفکر،  
\* برنامه مورد مطالعه مربوط به ایالت «والس جنوبی جدید» است.

احساس، ارزش و رفتار بگونه‌ای که با محیط دانش‌آموز مرتبط باشد.

ب - کسب مهارت در راهبردهای یاددهی - یادگیری که اهداف آموزشی را محقق سازد.

پ - تأکید روی تحقیق بوسیله دانش‌آموزان.

شناخت فرد، ارتباط با دیگران و محیط از محورهای عمده برنامه مطالعات اجتماعی در این کشور است و یادگیری آنها مستلزم این است که یادگیرنده راجع به افراد، ارتباطات اجتماعی و محیط به تحقیق بپردازد.

#### اهداف

هدف از تدریس مطالعات اجتماعی این است که افرادی، انعطاف پذیر، خودکار و مسئول در محیط متغیر تربیت کنند. هدف کلی فوق از طریق دستیابی به اهداف جزئی زیر تحقق پیدا می‌کند:

۱ - رشد جریان تفکر بچه‌ها، فراگیری مفاهیم و تعمیم‌ها برای تفسیر محیط، انتقال و کاربرد آنها در حل مشکلات اجتماعی خودشان.

۲ - رشد احساسات مثبت نسبت به خود، دیگران و محیط.

۳ - رشد آگاهی نسبت به ارزشها و کسب توانائی در ارزشیابی‌های مبتنی بر شواهد و باورها.

۴ - رشد الگوهای رفتاری مسئولانه براساس ارزشهای جامعه.

هدفهای جزئی فوق در حیطه‌های، تفکر، احساس و ارزشها به هدفهای جزئی‌تر تجزیه می‌شوند.

#### تفکر

تفکر مستلزم رشد مفاهیم و تعمیم‌هاست. این هدف در سه حوزه پژوهشی مرتبط بهم تعیین پیدا می‌کند.

حوزه فردی: یکی از حوزه‌های پژوهش

حوزه فردی است. در این حوزه تجربیات یادگیری، در جهت رشد شناخت و ویژگیهای فردی سازماندهی می‌شود:

۱ - شناخت نیازها و ویژگیهای منحصر به فرد، افراد

۲ - شناخت نیازها و ویژگیهای مشترک افراد.

۳ - شناخت چگونگی تأمین نیازها و رشد و تغییر انسانها

حوزه اجتماعی: تجربیات یادگیری در حوزه اجتماعی در جهت شناخت موارد زیر سازماندهی می‌شود:

۱ - دلایل و شیوه‌های مختلف روابط متقابل افراد.

۲ - گروهها و سازمانهایی که افراد شکل می‌دهند.

۳ - همکاری، توافق، رقابت و ستیز اشکال مختلف کنش متقابل بین گروهها و اجتماعات و تغییرات ناشی از آنها.

حوزه محیطی: تجربیات یادگیری در حوزه پژوهش محیطی، در جهت شناخت موارد زیر سازماندهی می‌شوند:

۱ - ارتباط بین مردم و محیطهای طبیعی و فرهنگی

۲ - بکارگیری دانش، تکنولوژی و ارزشها در جهت کشف، استخراج و مدیریت بهره‌برداری از منابع.

۳ - جریان مستمر تغییر در محیط. برای شناخت موارد فوق، دانش‌آموزان به دو طریق «مشاهده مستقیم» و «پرسیدن سوالات» به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد. و سپس با طبقه‌بندی نتایج اطلاعات تعمیم‌هایی را که یک سری از مفاهیم را به طور معنی‌دار بیکدیگر ارتباط می‌دهد، بدست می‌آورد.

تعمیم‌ها را آزمایش می‌کنند و در صورت ضرورت آنها را بوسیله کاربرد آنها در موفقیت جدید اصلاح می‌کنند.

احساسات در زمینه سه حوزه پژوهش مورد جستجو قرار می گیرند:

حوزه شخصی: دانش آموزان احساسات خود را به منظور آگاه شدن و شناخت خودشان مورد جستجو قرار می دهند. این جستجو آنها را در رشد «مفهوم خود» کمک خواهد نمود.

حوزه اجتماعی: دانش آموزان، احساسات خود را به منظور شناخت مسواردزیر بکار خواهند برد:

۱ - چگونگی احساسات دیگران

۲ - رابطه علی بین احساسات و رفتارها.

۳ - تأثیر احساسات در رفتار گروهی و اجتماعی.

شناخت مسوارد فوق به رشد «همدلی اجتماعی» کمک می کند.

حوزه محیطی: در حوزه محیطی دانش آموزان احساسات خود را به منظور شناخت مسواردزیر بکار خواهند برد:

۱ - عکس العمل خودشان روی محیط خود

۲ - عکس العمل خودشان روی محیطهای گوناگون

۳ - عکس العمل دیگر انسانها روی محیطهایشان

۴ - عکس العمل دیگر انسانها روی محیطهای گوناگون.

## ارزشها

آگاهی از ارزشها و ارزیابی آنها در سه حوزه پژوهش فردی، اجتماعی و محیطی رشد پیدامی کند:

حوزه شخصی: دانش آموزان از مسئله ارزشها آگاه می شوند و نسبت به ارزشهای خودشان آگاهی پیدا می کنند. این ارزشها

ممکن است از طریق، مهمانان، همسالان، همکلاسان، اعتقادات مذهبی، وسایل ارتباط

جمعی و به طرق دیگر به دانش آموزان انتقال یابند و موجب تغییر ارزشهای آنان گردند.

## حوزه اجتماعی: دانش آموزان درباره

«ارزشهای گروهی»، «سازمانها» و «اجتماعات» تحقیق می کنند. در جریان تحقیق

آنها، نسبت به ارزشهای مقبول گروه، سازمان و اجتماع آگاهی پیدا می کنند. تشابه و تفاوت ارزشها را پیدا می کنند و برای آنها دلیل می آورند. شناخت ارزشهای دیگران به آنها کمک می کند که نسبت به ارزشهای خود آگاهی لازم را بدس آورند.

## حوزه محیطی: در حوزه های محیطی، دانش

آموزان درباره ارزشهای محیط تحقیق می کنند. قضاوت های ارزشی مربوط به

تصمیمات و اعمال افراد، گروهها، سازمانها و اجتماعات را درباره مدیریت منابع مورد

جستجو قرار میدهند. در این جستجو آنها ارزشهای محیط خودشان را می شناسند و

نسبت به رفتار خودشان به عنوان عضوی از جامعه در قبال محیط، تصمیم گیری می کنند.

برای اینکه هدفهای فوق تحقق یابند،

برنامه مطالعات اجتماعی بر اساس اصولی تهیه و تدوین می شود. توجه به این اصول معلم

را در تدریس این درس کمک زیادی می کند و به او امکان میدهد که از روشهای مناسب برای

یادگیری دانش آموزان استفاده کند.

۱ - یادگیری از طریق پژوهش انجام گیرد.

۲ - دانش آموزان در برابر مسائل و برخورد با موفقیتها به صورت یک پژوهشگر

فعال برخورد کنند.

۳ - برنامه با توجه به علائق و تواناییهای مختلف یادگیری دانش آموزان تنظیم گردد.

۴ - یادگیری یعنی ایجاد تغییر در الگوهای تفکر، احساس و ارزشها از تأثیر متقابل دانش

آموزان با محیط بدست آید.

۵ - در جریان یادگیری، بچهها تجارب خود را بر حسب مفاهیم و تعمیمها سازمان دهند.

## بررسی نامه

پس از آشنایی با اهداف و اصول مطالعات

اجتماعی یکی از ایالت های کشور استرالیا، به نکات عمده این برنامه توجه بیشتری می کنیم و با بررسی آنها، توضیحاتی درباره اهمیت تدوین هدفهای آموزشی در تهیه برنامه و اصول تنظیم برنامه می آوریم.

صراحت هدفهای آموزشی: تهیه و تدوین هدفهای آموزشی یک برنامه و یا اجزاء مختلف آن، در واقع روشن نمودن مقصد آموزش است.

این سؤال باید در تمام مراحل آموزش مد نظر مؤلف، برنامه ریز و معلم باشد که آیا بدون

مقصد، پیمودن راهی ممکن است؟ اگر تدریس یک راه است باید هدفی روشن داشته باشد

اگر برنامه درسی مجموعه اصول و مفاهیمی است که با ارتباط منطقی بهم پیوند خورده اند

باید هدفهایی را تعقیب کند تا بتواند در مراحل مختلف تدریس راهنمای معلم باشد و دانش

آموز هم با آن هدفها فعالیت های یادگیری خود را با راهنمایی معلم سازمان بدهد. همینطور در

پرتو هدفهای آموزشی صریح است که ارزشیابی یادگیریها به طرز صحیحی انجام

می گیرد. مبالغه نخواهد بود اگر بیان شود، «بدون داشتن هدفهای آموزشی، آموزش

صحیح محال است».

اهداف سطوح مختلف دارد. نخستین سطح همان اهداف کلی (آرمانی) است که بیشتر

جنبه ارزشی دارند و غایت راه هستند. در برنامه مطالعات اجتماعی استرالیا ملاحظه

می کنید که «پرورش شهروند مطلوب» برای جامعه استرالیا یک هدف کلی است. یعنی

برنامه مطالعات اجتماعی باید در هر سطح و پایه آموزشی، متناسب با شرایط آن سطح یا

پایه، گامی در این جهت بردارد. بنابراین هدف کلی فوق به هدفهای جزئی تری که روشن تر

مقصد یادگیری را نشان میدهند تجزیه شده اند. اهداف جزئی هر کدام در حیطه های مختلف

(تفکر احساس و ارزشها) تجزیه شده اند. فلسفه تجزیه اهداف به حیطه ها این است که

اصولاً با توجه به ویژگیهای انسان به عنوان



یادگیرنده آموخت که چگونه بپرسد. در مقابل سوالات ناقص و ناپخته دانش آموز باید صبر و حوصله نشان داد و بتدریج سوالات را اصلاح کرد. تا از این مجرا، دانش آموز، «خوب پرسیدن» را بیاموزد. وقتی آموخت چگونه بپرسد، قطعاً خواهد آموخت چگونه پاسخ گوید و چگونه یاد بگیرد.

داشتن اصولی معین در تهیه برنامه: برای اینکه هدفهای آموزشی برنامه درسی تحقق یابند باید، در انتخاب تجارب و فعالیت‌های یادگیری اصولی را رعایت کرد. صرفنظر از نوع هدفهای تربیتی، می‌توان، اصول کلی را برای تهیه همه برنامه‌ها مد نظر قرار داد. اولین اصل کلی آن است که برای تحقق هر هدف تربیتی، دانش آموز باید فعالیت و تجاربی داشته باشد که به او فرصت دهد تا نوع رفتاری را که لازمه آن هدف است تمرین کند. به عبارت دیگر اگر یکی از هدفها، تقویت «مهارت همکاری کردن» باشد این هدف تحقق نخواهد یافت مگر آنکه تجارب و فعالیت‌های یادگیری، فرصتهای فراوانی را برای همکاری کردن در اختیار دانش آموز بگذارد.

دومین اصل کلی آن است که تجارب یادگیری باید چنان باشد که دانش آموز از انجام رفتارهای مربوط بدان هدفها احساس رضایت کند. مثلاً در مورد تجارب و فعالیت‌های یادگیری که برای پرورش مهارت همکاری فراهم می‌گردد، رعایت این نکته ضروری است که تجربه آموزشی نه تنها به دانش آموز فرصت همکاری کردن را بدهد بلکه باید همکاری کردن موجب رضایت خاطر وی نیز باشد. اگر تجارب مربوط، رضایت‌بخش نباشد یا ناگوار باشد، برای تحقق یادگیری، زمینه مساعدی وجود نخواهد داشت. در واقع در چنین صورتی بیشتر احتمال می‌رود که دانش آموز در خلاف جهت هدف مورد نظر پیش برود. رعایت این اصل کلی مستلزم آن است که معلم اطلاعات کافی درباره علاقه‌ها و نیازهای

در تحقیق هم مانند دیگر مهارتها، باید از دوران کودکی تحقق یابند و دانش آموز از همان سطوح پائین آموزشی به تناسب توانائی خود در پی یافتن پاسخ به سوالات خود باشد. حقیقت طلبی در بزرگسالی و توانائی در کشف حقیقت نتیجه پرورش صحیح این روحیه در خردسالی است.

در برنامه مطالعات اجتماعی استرالیا برای تقویت مهارت جمع آوری اطلاعات دانش آموزان به دو طریق «مشاهده پدیده‌ها» و «پرسیدن سوالات»، اطلاعات جمع آوری می‌کنند - یعنی روش تدریس، روش تحقیق را به یادگیرنده می‌آموزد. اگر مفاهیم و مهارتها با روش تدریس خوب و با مشارکت خود یادگیرنده در جریان یادگیری، یاد گرفته شوند، بدون تردید، توانائی تحقیق تقویت خواهد شد. به عنوان مثال اگر معلم توانست مهارت «مشاهده کردن» و توجه عمیق به پدیده‌های مختلف را در وجود دانش آموز تقویت نماید و او را متوجه بسازد که مشاهده تصاویر، عکسها، صحنه‌ها و پدیده‌ها، می‌تواند اطلاعات زیادی به انسان بدهد در واقع، تحقیق را به دانش آموز آموخته است.

با «پرسیدن سوالات» را در نظر بگیرید، این یک مهارت است. افراد مختلف، سوالات زیادی می‌کنند ولی آنهایی که می‌توانند سوالات خوب طرح کنند، کم هستند. باید به

یادگیرنده، یادگیری با عوامل مختلف مرتبط است. انسان تنها تفکر نیست، که اگر فکر او تقویت پیدا کرد، یادگیری انجام بگیرد. انسان تنها احساس نیست که اگر به چیزی احساس مثبتی داشت، یادگیری مؤثر عملی گردد و ... بلکه انسان با توجه به ویژگیهایش باید در جنبه‌های مختلف رشد و در جنبه‌های مختلف با موضوع مورد یادگیری پیوند بخورد تا یادگیری انجام پذیرد. هم فکر کنند، هم احساس مثبت داشته باشد و هم خود فعالیت یادگیری کند. این نکته در تهیه و تدوین برنامه مطالعات اجتماعی استرالیا مورد توجه قرار گرفته است. جهت اینکه مقصدها و منازل مختلف جریان آموزش منتخض گردند، هدفهای آموزشی در مراحل مختلف به صراحت بیان شده‌اند. هر کدام از حیطه‌ها نیز با توجه به عوامل مختلفی که با یادگیرنده در تأثیر متقابل هستند به سه حوزه فردی، اجتماعی و طبیعی، تقسیم شده‌اند و یادگیرنده در این حوزه‌ها به پژوهش می‌پردازد. نکته قابل ذکر دیگر در برنامه مطالعات اجتماعی کشور استرالیا این است که پرورش روحیه تحقیق نیز یک هدف کلی در این برنامه است. در سطوح مختلف آموزشی، پرورش روحیه تحقیق و تقویت مهارت در جستجوگری، به تناسب سن یادگیرنده و شرایط یادگیری تکرار می‌گردد. پرورش روحیه کاوشگری و کسب مهارت



دانش آموز در دست داشته باشد و همچنین طرق اساسی ارضای این علاقه‌ها و نیازها را در نوع انسان بداند تا بتواند به درستی قضاوت کند که آیا تجارب و فعالیت‌های یادگیری خاصی می‌تواند برای گروه دانش آموزان معینی رضایت‌بخش باشد یا نه.

بنابراین می‌توان گفت، اصول در تهیه و تدوین برنامه، تار و پود برنامه است. برنامه اگر بخواهد به اهداف مورد انتظار دست بیابد باید استخوان‌بندی آنرا اصولی متناسب با اهداف تشکیل دهد. تعدادی اصول کلی وجود دارد که در تهیه هر نوع برنامه‌ای باید به آنها توجه داشت (دو اصل کلی در بالا ذکر گردید) و تعدادی اصول هم با توجه به نوع هدف‌های آموزشی اساس تهیه یک برنامه درسی را تشکیل می‌دهند.

در برنامه مطالعات اجتماعی کشور استرالیا، ملاحظه می‌گردد که تحقق اهداف از طریق شرکت دادن یادگیرنده و تمرین رفتارهای مربوط به اهداف، دنبال می‌شود. پرورش روحیه تحقیق، هدف کلی برنامه است، در عمل به خود یادگیرنده، امکان و فرصت پژوهش داده می‌شود، یادگیری از طریق تأثیر متقابل بین دانش آموزان و محیطشان، توجه به علائق و تواناییهای فردی در امر یادگیری و... از دیگر اصول برنامه مطالعات اجتماعی کشور استرالیاست

### نقش معلم

در برنامه مطالعات اجتماعی، معلمان به عنوان مجریان برنامه‌ها و کسانی که باید اهداف آموزشی توسط آنها و به کمک آنها جامعه عمل ببوشد چه نقشی را باید ایفا نمایند. در برنامه استرالیا می‌توان دریافت که هر دانش‌آموزی روش حل مسئله خاصی را در پیش می‌گیرد و آنرا توسعه میدهد و به عنوان یک یادگیرنده استقلال خود را بطور افزایشی، بدست می‌آورد. معلم برای نیل به اهداف فوق،

باید برای دانش‌آموز نقش یک کمک‌محقق را ایفا نماید و به ایجاد ارتباط قوی بین خود و دانش‌آموزان بسا یکدیگر یاری کند. باید تجربیات یادگیری را طوری سازمان بدهد که دانش‌آموزان در جریان یادگیری مشارکت فعال داشته باشند. دانش‌آموزان را قادر سازد که از اطلاعات بدست آمده از منابع مختلف، بطور مستقیم استفاده کند. محیط یادگیری مناسب و یک فضای روانی برانگیزاننده بسازد که دانش‌آموز را به سوی پژوهش و تحقیق هدایت کند. اگر یادهی، یادگیری از طریق پژوهش و کشف انجام گیرد، دانش‌آموزان را به توسعه مفاهیم تعمیم‌ها و کاربرد آنها در موقعیت‌های جدید برای حل مسائل توانا می‌سازد یکی از مسئولیتهای معلم این است که به دانش‌آموزان کمک کند، آنها فعالیت‌های یادگیری را طوری سازمان بدهند که در حل یک مسئله خاص بیشترین تأثیر را بگذارد.

برای ایجاد یک فضای روانی مناسب برای دانش‌آموز، معلم باید فضایی بوجود بیاورد که دانش‌آموزان در کلاس، آزادی عمل لازم را برای جستجوی احساسات و اندیشه‌ها داشته باشند و بدون احساس تهدید و تحقیری سوالات خود را طرح نمایند و از این طریق، به نحو بهتری خود و دیگران را بشناسند. افزایش اعتماد بنفس در دانش‌آموز مسئولیت دیگر معلم است. اگر انتظار داریم دانش‌آموزان در ارتباط با دیگران و محیطشان بطور مثبت عمل کنند، شرط اساسی آن بوجود آوردن اعتماد بنفس در آنهاست، نکات فوق، از جمله مواردی هستند که یک معلم باید در جریان آموزش بر عهده بگیرد و دلبوزانه به آنها جامعه عمل ببوشد. آنچه که قابل تأمل است روش فعالی است که در نظام تعلیم و تربیت غرب یک نورآوری است و در برنامه تعلیمات اجتماعی کشور استرالیا هم به این روش فعال و «کودک محوری» تأکید زیادی شده است. این روش بر اساس جهان‌بینی و فلسفه تربیتی غرب شکل

گرفته و بوجود آمده است. در این روش از نقش معلم کاسته می‌شود و به نقش دانش‌آموز افزوده می‌گردد. کاهش نقش معلم با توجه به اینکه در بینش ما ارتباط معلم با شاگرد، اهمیت زیادی دارد امر مطلوبی نیست. در انتخاب مسئله تحقیق، روش چگونگی استفاده از وسایل مختلف در حل مسائل و در یک کلام هدایت و رهبری او در جریان آموزش یک ضرورت است. قابل ذکر است، هدایتگری معلم در جریان یادگیری و نقش اساسی به معنی بی‌توجهی به فعالیت یادگیری دانش‌آموز نیست، بلکه، شرکت فعالانه یادگیرنده در جریان یادهی، یادگیری یک ضرورت اساسی است و اصلاً بدون شرکت دانش‌آموز یادگیری انجام نمی‌گیرد، منتها این فعالیت نباید به محور قرار دادن کودک در روند آموزش منجر شود و نقش هدایتگرانه معلم را تا حدی یک مشاور در کنار دانش‌آموز پائین بیاورد.

### منابع:

- ۱ - صبح ناصر، سلیمی، پرویز، اصول راهنمای بین‌المللی آموزشی، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف، سال ۱۳۶۰.
- ۲ - تایلر، رالف، و اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ترجمه ابراهیم مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی ۱۳۵۱.
- ۳ - اسپارک، برنارد، آموزش در دوران کودکی، ترجمه محمد حسین نظری‌نژاد، ۱۳۶۶.

4 - Wvestigating social studies (k - 6) DE partement of Education, P. 3 - 8

5 - Education in Australia, Department of Education and youth Affairs, Australian Government publishing service canberra 1984